

اصلاح طلبان قومی و سپاست «مارگزنی»

ساسان ضحاک

فعالیتی چنین مجموعه‌هایی، ببینیم که کدامین اصطلاح در مورد آنان صدق خواهد کرد؟

«پان» در لغت بمعنای «همه و تمام» بوده و اصطلاحاتی چون «پان ترک» و «پان فارس» بمعنای «تماماً ترک» و «تماماً فارس» می‌باشند. «پان فارسیسم» نیز عقیده و مکتب فکری می‌باشد که تشکیل یک کشور تماماً فارس‌نژاد را نوید داده و آنرا ضامن صلاح و منفعت جامعه می‌داند. در این راستا افراد صاحب‌نظر در این عقیده که معتقد به تشکیل یک کشور تماماً فارس هستند، چون نمی‌توانند منکر سایر اقوام و ائنتیک‌های این مرز و بوم گردند، لذا جهت رسیدن به مدینه فاضله خود، به یکسان‌سازی نژادی و قومی دست یازیده و برای سایر قومیتها شناسنامه و هویت جعلی ساخته و آنرا جایگزین فرهنگ و تاریخ اصیل آنان می‌نمایند. حتی تا آنجایی که زبانهای قومی تحت‌الشعاع قرار گرفته و زبان فارسی جایگزین آنها شود. برای تحقق این امر، باید رو در روی روشنفکران و متفکران اقوام دیگر - که در چنین سیری حافظ فرهنگ و زبان و تاریخ اصیل قومیتها بوده - قرار گرفته و حرکت گروههای فکری وابسته به آنها را نیز به روشهای مختلف (از جمله «انگ‌زنی») متوقف ساخته و خانواده‌های آن مناطق را با ابزارهای گوناگونی چون رسانه‌های عمومی، نشریات، کتاب و ...، الینه کرده و فرهنگ و هویت مجازی و دست‌ساز خود را جایگزین فرهنگ و تاریخ اصیل آنان نمایند.

از طرف دیگر نیز «پان ترکیسم» به مفهوم تشکیل یک کشور تماماً ترک بوده که همان مبانی و اصول فوق نیز در اینجا جاری بوده و روشهای اجرایی آن مشابه قبل می‌باشد.

همانطور که روشن است از نظریات فوق، شدیداً بوی ناسیونالیسم افراطی به مشام میرسد که قویاً محکوم بوده و این عقاید چه به لحاظ فکری و چه به لحاظ اجرایی به شکست خواهند انجامید. سایر عقاید «پان» نیز همانند این دو نظریه بوده و عاقبتی جز شکست و اختلاف و تفرقه نخواهد داشت.

در مورد بحث «جدایی طلب» نیز باید گفت که این اصطلاح به افراد و یا گروههایی اطلاق میشوند که به انواع روشهای مسلحانه یا مبارزات سیاسی و اجتماعی، جهت جدایی منطقه خاصی از یک کشور مادر و استقلال منطقه جدا شده، فعال بوده و منافع و آمال مردم و قوم آن منطقه را در آن می‌بینند که بعنوان یک کشور مستقل از کشور مادر، در جهان نمایان شود. که عاقبتی جز

حدود بیست سال از انقلاب شکوهمند اسلامی می‌گذرد و این در حالی است که هنوز جامعه ما به ثبات مناسبی جهت رشد و تکوین سیاسی و فرهنگی نرسیده است. با گذر این همه سال، هنوز شاهد بسیاری از اجحافها و اتهامات در جامعه از سوی افراد و گروهها به همدیگر هستیم که یا نشان از عدم درک صحیح معانی لغوی کلمات و یا نشان دهنده عدم تحمل عقاید یکدیگر می‌باشد. امر «انگ زنی» - متهم ساختن به نظریات و عقاید مختلف - روزگار میدیدی است که گریبان این جامعه را به سختی می‌فشارد و باعث و بانی بسیاری از مشکلات در صحنه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی شده است. روشهای بحث و جدل این‌چینی که برای خفه کردن فریادها و بریدن زبانها به کار برده می‌شود، دیگر در جوامع بشری مقام و منزلت خود را از دست داده و از لحاظ منطقی و عقلانی کاملاً مردود شناخته می‌شوند. امروزه گفتگو، تحمل عقاید، نقد و نقدپذیری، بنیانهای اصلی گفتمان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در صحنه جهانی بخود اختصاص داده و راه را برای رشد و پیشرفت انسان در تمامی جنبه‌ها باز گذارده‌اند.

حال پس از بیست سال و مخصوصاً پس از دوم خرداد ۷۶ و روی کار آمدن آقای خاتمی که مهمترین شعارش همان مبانی و همان اصول بوده و در تمام مدت ریاستش نیز پایبند آنها بوده است، نادیده گرفتن این اصول از طرف شخصیتها و گروههایی که در عقاید خود را طرفدار آقای رئیس جمهور معرفی می‌کنند، بسیار مذموم و نکوهیده نمی‌باشد؟ زیرا در این صورت از دیگران چه انتظار است!!!

با تمامی این اوصاف، امروزه شاهد بسیاری از «مارکزنی»ها به افراد علمی و مجموعه‌های فرهنگی و فکری که دارای مطالبات قومی و محلی می‌باشند، از طرف افراد و گروههایی هستیم که چنین انتظاری از آنها نبود. زدن برچسبهایی چون «پان»، جدایی طلب و ... بسیار مرسوم شده است.

حال آیا واقعاً چنین اشخاصی که از لحاظ تعداد نیز کم نبوده و اکثر قشر دانشگاهی مناطق بومی و محلی را تشکیل می‌دهند، «پان» و جدایی طلب بوده و یا بر خلاف وحدت ملی کشور فعالیت دارند؟

برای جواب دادن به این سؤال ابتدا باید تعریف و معانی اصطلاحات فوق را مشخص کرده و سپس با توجه به عقاید و جنبه‌های

ادامه از صفحه ۱۰ (آنچه جوان آذربایجانی...):

ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و مولوی و ... اشاره‌ای شود، آنها ترک نیستند!!!

شوونیست‌ها جوی به وجود آورده‌اند که بین نسل قدیم و جدید آذربایجان فاصله ایجاد شود و پدربزرگ از فهم حرفه‌های نوه‌اش عاجز بماند. آنها می‌خواهند با تحقیر و تبلیغ علیه فرهنگ و زبان مردم آذربایجان کاری بکنند که یک آذربایجانی از گفتن اینکه «من ترکم» احساس خودکم‌بینی به او دست دهد و دچار از خودبیگانگی فرهنگی گردد.

از دیگر سیاست‌های ریشه‌دار آنها، تغییر اسامی ترکی به فارسی و نیز سیاست تقسیم آذربایجان به استان‌های کوچکتر می‌باشد که از زمان رضاخان منحوس تا به حال ادامه دارد. استان خراسان با این همه وسعت تقسیم نمی‌شود، اما هم‌اکنون حتی زمزمه استان شدن «خوی» و «مراغه» و «میاندوآب (قوشاچای)» نیز به گوش می‌رسد. متأسفانه هنوز هم در شهر خوی مجله‌هایی چاپ می‌شوند که آگاهانه یا ناآگاهانه راه را برای اجرای مقاصد دشمنان فرهنگشان هموارتر می‌کنند.

هنوز هم شوونیست‌ها خاموش ننشسته‌اند و با توجه به بالا رفتن شعور ملی و جهت‌یابی نسبی حرکت ملی، نقشه‌هایی که طرح می‌کنند و دام‌هایی که می‌گسترانند پیچیده و گسترده‌تر از قبل شده‌است.

آنها می‌خواهند حرکت نسل جوان آذربایجان را که در چارچوب قانون اساسی صورت می‌گیرد به جریان‌های بیگانه ربط دهند و آن را تجزیه‌طلبی و ضد امنیت ملی جلوه دهند و بدین ترتیب برای سرکوب این حرکت مجوزی رسمی داشته‌باشند. بنابراین وظیفه هر آذربایجانی این است که علاوه بر شناخت دقیق و صحیح از فرهنگ و تاریخ خود، اطلاعات سیاسی و قدرت تجزیه و تحلیل خود را افزایش دهند تا جلوی ترفندهای این روسیاهان تاریخ گرفته‌شود.

منابع و مآخذ:

- ۱- هویت ایرانی و زبان ترکی - رضا کسکین
- ۲- مجله دانشجویی چیچک (دانشگاه علوم پزشکی تهران)
- ۳- زبان و تبار مردم آذربایجان - غلامرضا انصاف پور

منازعات مسلحانه و جنگ و خونریزی و در نهایت، مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوان، نخواهد داشت. لذا این امر نیز کاملاً مردود بوده و هیچ یک از مردم این مرز و بوم، آنرا نپذیرفته و نخواهند پذیرفت.

در مورد اصطلاح آخر نیز باید گفت که «وحدت ملی» در یک کشور به مفهوم اتفاق مردم آن کشور بر یک مرز مشترک به لحاظ تاریخی و توافق بر قانون مشترک و یک دولت مرکزی جهت اداره امور و همچنین تلاش و کوشش جهت سربلندی آن و مبارزه با هر تهاجم علیه مشترکات می‌باشد.

بدیهی است که در داخل این مرز و میان این مردم، تنوع زبانی و فرهنگی و تنوع دینی و عقیدتی وجود خواهد داشت. زیرا تنوع و تکثر امری ذاتی بوده و جزء ذات خلقت می‌باشد. در نتیجه، با توجه به اصل تنوع، وحدت ملی تنها در سایه قبول آن معنی پیدا می‌کند.

حال با توجه به تعریفات فوق، فردی که جهت احقاق حقوق حقه قوم خویش و جهت آشنایی و شناساندن تاریخ و فرهنگ و زبان اصیل خویش فعالیت می‌کند در کدامین گروه می‌گنجد؟

آیا فردی که نسبت به رسانه‌های منطقه‌ای جهت حفظ فرهنگ اصیل، انتقاد می‌کند «پان» نامیده می‌شود و یا گروهی که نسبت به اقتصاد و رفاه مردم منطقه خویش احساس دلسوزی داشته و جهت از میان برداشتن مشکلات آن، اقدام می‌نمایند، «جدایی‌طلب» نام دارند؟

آیا فعالیت در زمینه اجرای قانون اساسی - یکی از مشترکات - و نادیده نگرفتن بعضی از اصول آن و همچنین تلاش در جهت تقویت فرهنگ اصیل مردم یک منطقه که موجب بالا رفتن شعور ملی مردم شده، نافی وحدت ملی می‌باشد؟

بدیهی است که تمامی این سؤالات از لحاظ عقلانی و منطقی یک جواب قاطع دارد و آنهم نه می‌باشد. با توجه به این اوصاف، سیاست «مارکزی» توسط نشریات و یا اشخاص، به هیچ وجه به سود این جامعه نبوده و خود، مخاطره‌انداز وحدت و امنیت ملی می‌باشد. لذا لازم بنظر می‌رسد که گروه‌هایی چند، در عقاید و آراء خود تجدید نظری داشته باشند.

باشد که قومیتها و گروه‌های مختلف با احترام به اصل گفتگو، وارد عرصه اجتماع شده و دیگر شاهد بکارگیری چنین سیاست‌های شکست‌خورده‌ای در جامعه نباشیم.

اوزوندهن آشاغی داکمی اینسانلارا چوخ باخ، کی بو باخیشلار شوکر اتمک قاپیلارینی اوزووو آچار.

حضرت امام علی (ع)